



ویرگول گذاری و مبانی نظری آن

کاربرد بجا و نابجای ویرگول

رحمان افشاری

ویرگول درنگ‌نماینست، مرز‌نماست؛ مرز‌نمایِ نحویِ کلمه‌ها
و گروه‌های هم‌پایه و بندها. ویرگول‌گذاریِ جدیدِ گفتار‌محور
نیست، نوشتار‌محور است؛ تلفظ‌بنیاد نیست، نحو‌بنیاد است.
کتاب حاضر نگاهی است انتقادی به ویرگول‌گذاری در زبان
فارسی و می‌کوشد قواعدِ نحو‌بنیادِ آن را تدوین کند.



ویرگول گذاری و مبانی نظری آن کاربرد بجا و نابجای ویرگول

رحمان افشاری



افشاری، رحمان، ۱۳۳۶ -
ویرگول گذاری و مبانی نظری آن / رحمان افشاری.

تهران: مهراندیش، ۱۳۹۶.

۱۶۴ ص.: مصور، جدول.

۹۷۸-۶۰۰-۱۳۹۵-۱۳-۵

Rahman Afshari. Comma usage and its theoretical basics.

۲۰۶۶۵۲۲

PU1

PIR2/AV1/ف/۹۷۸/۱۳۹۶



در این کتاب از «نشانه‌ی درنگ» که با علامت «،» مشخص می‌شود، استفاده شده است. «نشانه‌ی درنگ» نویسه‌ی مناسبی است که به جای ویرگول ناهجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های خواندن درست متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



ویرگول گذاری و مبانی نظری آن

کاربرد بجای و بجای ویرگول

• رحمان افشاری •

• جلد: اعظم مهدوی • صفحه‌آرایی: مهراندیش •

• چاپ اول: تهران، ۱۳۹۵ • چاپ طهرانی، ۳۰۰ نسخه •

• شماره‌ی انتشار: ۱۳۱ •

• قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان • شابک: ۵-۱۳-۹۵۳۹۵-۶۰۰-۹۷۸



هرگونه تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، به صورت کامل و یا بخشی از آن، اعم از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان انقلاب، خیابان روانمهر، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، شماره‌ی ۳۶

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۳۵۶

mehrandishpub@gmail.com www.mehrandishbooks.com

www.ketab.ir/mehrandishbooks



فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۱۳.....	فصل اول: جمله نشانه ها در گذشته و حال.....
۱۵.....	جمله نشانه وسیله ای برای قرائت درست متن.....
۱۸.....	جمله نشانه به عنوان نشانه ی درنگ و آهنگ.....
۱۹.....	جمله نشانه ابزار تقسیم بندی جمله.....
۲۰.....	پیدایش قواعد نقطه گذاری نوین.....
۲۱.....	نقطه گذاری نوین در حال حاضر.....
۲۴.....	برنهاد کتاب.....
۲۵.....	فصل دوم: ویرگول و درنگ.....
۲۹.....	واحد زبر زنجیری.....
۲۹.....	۱- آهنگ.....
۳۱.....	۲- تکیه.....
۳۳.....	۳- درنگ یا مکث.....
۳۹.....	فصل سوم: کاربرد نابجای ویرگول.....
۵۱.....	فصل چهارم: قواعد ویرگول گذاری.....
۵۲.....	جمله در یک نگاه.....
۵۴.....	مهم ترین قاعده ی ویرگول گذاری.....
۵۶.....	ردیف.....

۶۳.....	عبارات تکمیلی، توضیحی، معترضه و پی افزوده ها
۷۰.....	ویرگول در جمله های ساده و مرکب
۸۱.....	فصل پنجم: نشانه ی درنگ
۹۱.....	فصل ششم: قواعد ویرگول گذاری در کتاب های درسی
۹۷.....	ضمیمه
۹۹.....	مختصری درباره ی جمله
۱۰۰.....	آشنایی اجمالی با دستور وابستگی
۱۰۳.....	جمله
۱۰۶.....	جمله ی ساده
۱۰۶.....	فعل
۱۱۲.....	اعضای جمله
۱۱۵.....	اعضای جمله: متمم ها
۱۲۶.....	اعضای جمله: افزوده ها
۱۳۲.....	جمله ی مرکب
۱۳۴.....	جمله ی هم پایه
۱۳۸.....	جمله ی هم بافته
۱۵۱.....	ویرگول در یک نگاه
۱۵۱.....	تعریف ویرگول
۱۵۱.....	کاربرد ویرگول
۱۵۳.....	واژه نامه ی توصیفی
۱۵۹.....	کتاب نامه

پیشگفتار

کاربرد درست نشانه‌ی ویرگول در تمام زبان‌ها با دشواری‌های فراوان روبروست. این دشواری‌ها را می‌توان به‌طور عمده به سه دسته تقسیم کرد:

۱. برای کاربرد درست ویرگول اطلاع عمومی از دستور زبان ضروری است. اگرچه دستور زبان در طول تحصیل آموزش داده می‌شود، اما اکثر افراد آن را فراموش می‌کنند و رغبتی به فراگیری مجدد آن نشان نمی‌دهند.
۲. تعداد قواعد ویرگول چندان زیاد است که در زبان‌های اروپایی برای این منظور کتاب‌های مستقل نوشته‌اند. فراگرفتن و به کار بستن تمام این قواعد کار هر فرد نیست و در برخی مواقع، به‌ویژه در انتشار کتاب و روزنامه و مجله، کاری تخصصی است.
۳. قواعد ویرگول تابعی از زبان و دستور زبان است و نمی‌توان برای تمام زبان‌ها قواعدی یکسان و جهان‌شمول نوشت.

اما کاربرد نشانه‌ی ویرگول در زبان فارسی علاوه بر موارد یادشده با

مشکلات دیگر نیز روبروست:

۱. در دوران تحصیل به آموزش نقطه گذاری به قدر کافی توجه نمی شود.
۲. هنوز قواعد روشن و یکدستی در این باره توسط دستگاه های مسئول تدوین و منتشر نشده است تا لازم الاجرا باشد.
۳. به علت ضعف خط فارسی، که فاقد حروفی برای واج های مصوت است، از ویرگول اغلب برای رفع این نقص و به عنوان نشانه ی درنگ استفاده می شود.
۴. و سرآخر اینکه نگاه مابه نقطه گذاری، نگاهی قدیمی است.

علل یاد شده موجب شده اند تا کسانی که قلم برمی دارند و مطلبی می نویسند، در کاربرد درست ویرگول با پرسش و مشکل روبرو شوند.

به نشانه ی ویرگول می توان از زوایای مختلف نگریست:

۱. از جنبه ی تاریخی: نقطه گذاری به طور عام و نشانه ی ویرگول به طور خاص تاریخی طولانی دارد. سیر تاریخی این نشانه ها را می توان در یونان باستان، سده های میانه و قرون اخیر جستجو کرد و تاریخ ویرگول و کاربرد آن را در زبان های گوناگون و از جمله در زبان فارسی نوشت.
۲. از جنبه ی زبان شناسی: نشانه ی ویرگول را می توان از نظر زبان شناسی و نویسه شناسی^۱ بررسی کرد، جایگاهش را در

1. Graphemik/graphemics

ابتدا معادل آلمانی و پس از علامت «/» معادل انگلیسی اصطلاح ذکر می شود.

نظام نشانه‌ها و نسبتش را با سایر نشانه‌های نقطه‌گذاری روشن ساخت و کارکردش را به مثابه‌ی جزئی از سیستم نشان داد.

۳. از جنبه‌ی فلسفی: به نشانه‌های نقطه‌گذاری می‌توان حتی از منظر فلسفی نگریست و معنای فلسفی هریک از نشانه‌ها را بازشناسی کرد، کاری که آدورنو، فیلسوف پیچیده‌اندیش آلمانی، در فصلی از کتاب *یادداشت‌هایی درباره‌ی ادبیات*^۱ کرده است.

۴. از جنبه‌ی دستور زبان: نشانه‌ی ویرگول یکی از نشانه‌های نقطه‌گذاری است و در هریک از زبان‌ها کارکرد و قواعدی خاص خود را دارد.

این نوشته تنها به موضوع آخر می‌پردازد. برای هریک از موضوعات ۱ تا ۳ باید کتاب یا کتاب‌های جداگانه نوشت. قصد نوشته‌ی پیش رو این است که نشانه‌ی ویرگول و بنیاد جدید آن را معرفی کند، تعداد قواعد آن را به حداقل لازم برساند و با ذکر مثال‌هایی از زبان امروز فارسی کاربرد درست آن را نشان دهد تا بتوان آن‌ها را به ذهن سپرد و درست به کار بست.

اما لازم است ابتدا برای آشنایی بیشتر با نقطه‌گذاری نوین به طور اعم و نشانه‌ی ویرگول به طور اخص نگاهی اجمالی به سیر تکوین

1. Gesammelte Schriften in 20 Bänden: Band 11: *Noten zur Literatur* / Theodor W. Adorno.- Suhrkam; 4. Auflage, 2003 (Satzzeichen, 106-113)

نشانه‌های نقطه‌گذاری یا جمله‌نشانه‌ها^۱ بیندازیم تا مبانی نظری کار روشن شود. فصل اول به این موضوع اختصاص دارد. در فصل دوم نگاهی خواهیم انداخت به نوای گفتار (آهنگ، تکیه و درنگ) و نتیجه خواهیم گرفت که ویرگول نشانه‌ی درنگ نیست. فصل سوم درباره‌ی کاربرد نابجای ویرگول خواهد بود و فصل چهارم کاربرد ویرگول و قواعد آن را معرفی خواهد کرد. فصل پنجم به پیشنهادی درباره‌ی نشانه‌ی درنگ اختصاص دارد. در فصل ششم نگاهی خواهیم انداخت به قواعد ویرگول‌گذاری در کتاب‌های درسی. در بخش ضمیمه مختصری درباره‌ی دستور زبان فارسی و جمله، در حدی که برای نشانه‌ی ویرگول لازم است، خواهیم گفت. پس از آن «ویرگول در یک نگاه» و «واژه‌نامه‌ی توصیفی» خواهند آمد. «کتاب‌نامه» پایان بخش کتاب است..

مبحث دستور زبان را به بخش ضمیمه منتقل کرده‌ایم تا کسانی که با دستور زبان فارسی آشنایی کامل دارند، بتوانند بلافاصله فصل مربوط به ویرگول‌گذاری را بخوانند. در واژه‌نامه‌ی توصیفی بخش ضمیمه برخی اصطلاحات دستوری که در قواعد ویرگول‌گذاری به کار رفته است، توضیح داده شده است.

نشانه‌هایی که در این کتاب به کار رفته است:

(۱) عنصر درون آن اختیاری است.

* صورت نادرست یا غیر دستوری

۱. جمله‌نشانه را به جای «نشانه‌ی نقطه‌گذاری» (punctuation mark) و برابر با Satzzeichen آلمانی می‌آوریم تا معنای آن با سایر نشانه‌ها اشتباه نشود.

// واج نویسی

۱ نشانه‌ی درنگ در مواقعی که مکشی لازم است،
اما ویرگول نباید گذاشت. در فصل پنجم با این
نویسه و علتِ وجودی آن آشنا خواهیم شد.

فصل اول: جمله‌نشانه‌ها در گذشته و حال

جمله‌نشانه‌ها به نوشته نظم می‌بخشند و فهمیدن متن را آسان می‌کنند. نقطه‌گذاری^۱ نظامی است که هر جمله‌نشانه در آن کارکرد ویژه‌ای دارد و «عبارت است از قرار دادن نشانه‌های خاصی در جمله نوشته یا چاپ شده، به منظور نشان دادن روابط منطقی متصل‌کننده اجزاء جمله و امکان‌پذیر ساختن درک نظم، اتصال و انفصال افکار».^۲ نقطه‌گذاری در هر زبان شامل مجموعه‌ی قواعدی است که کاربرد درست جمله‌نشانه‌ها را نشان می‌دهد.

در زبان فارسی گاهی به جای نقطه‌گذاری اصطلاح «نشانه‌گذاری» یا «نشانه‌های سجاوندی»^۳ را به کار می‌برند. نقطه‌گذاری در برخی از زبان‌ها بخش مهم و جدانشدنی درست‌نویسی^۴ است، اما در زبان فارسی هنوز جایگاه دقیق آن روشن نیست.

1. Interpunktion, Zeichensetzung / punctuation

۲. ادیب سلطانی، ۷۱.

۳. سجاوندی از نام ابوالفضل سجاوندی گرفته شده است که نخستین کسی بود که نشانه‌های وقف را برای درست خواندن قرآن به کار برد.

4. Rechtschreibung / spelling, orthography

برای اهمیت نقطه‌گذاری کافی است متنی را انتخاب کنید و تمام «علائم نگارشی» یا جمله‌نشانه‌های آن را حذف کنید، خواهید دید که خواندن و درک آن تا چه حد دشوار خواهد شد. اهمیت «حیاتی» نقطه‌گذاری را می‌توان از دقت در مثال زیر دریافت:

بخشش لازم نیست اعدامش کنید.

معنای این جمله با تغییر یک جمله‌نشانه به کلی تغییر خواهد کرد:

بخشش! لازم نیست اعدامش کنید.

بخشش لازم نیست؛ اعدامش کنید!

به کار نبردن ویرگول یا کاربرد نادرست آن در بسیاری از جمله‌ها موجب بدفهمی و ابهام می‌شود. به عنوان مثال جمله‌ی زیر را در نظر بگیرید:

در این تصادف احمد برادرم و پرویز زخمی شدند.

در این جمله به علت به کار نبردن ویرگول 'معلوم نیست چند نفر زخمی شده‌اند. اگر به کار نبردن ویرگول موجب ابهام و بدفهمی است، ویرگول‌گذاری نادرست و مبتنی بر مکث و درنگ نیز دست‌کمی از آن ندارد، زیرا معنای جمله با گذاشتن یک یا دو ویرگول به کلی تغییر می‌کند:

در این تصادف احمد، برادرم و پرویز زخمی شدند. (سه نفر زخمی شدند.)

در این تصادف احمد، برادرم، و پرویز زخمی شدند. (دو نفر زخمی شدند: پرویز و برادرم که نامش احمد است.)

پس کوچک را ناچیز شمردن خطای بزرگی است؛ نشانه‌ی ویرگول اگرچه کوچک است، اما نباید اهمیت آن را در جمله و فهم متن نادیده گرفت.

جمله‌نشانه‌ها از نظر تاریخی به هنگام قرائت متن پدید آمدند. از این رو لازم است تا مروری کنیم بر تاریخ نقطه‌گذاری.^۱

جمله‌نشانه وسیله‌ای برای قرائت درست متن

از تاریخ اختراع خط به تقریب ۶ هزار سال می‌گذارد. برخی اختراع خط را بزرگ‌ترین اختراع بشر دانسته‌اند، زیرا بشر با اختراع خط توانست دانش و دانستنی‌های خود را به طور نظام‌مند ثبت و ضبط کند و در اختیار دیگران بگذارد یا خود بتواند دوباره به آن‌ها رجوع کند. اختراع خط و بیش از همه گسترش خط الفبایی تحولی اساسی در تاریخ جوامع بشری ایجاد کرد و انسان توانست به یاری آن به تدریج از فرهنگ گفتاری به فرهنگ نوشتاری پای بگذارد. ذهن با این اختراع 'خود را از زیر بار سنگین حفظ معلومات آزاد کرد و توانست به عرصه‌های ناشناخته قدم بگذارد. گذار معروف به گذار از «میتوس به لوگوس» (= از اسطوره به عقل) بدون اختراع خط ممکن نبود. درباره‌ی این تحولات و اختلاف دو فرهنگ یادشده کتاب‌های بسیار نوشته شده‌اند و ما نمی‌توانیم در اینجا حتی به سرفصل‌های آن اشاره کنیم.

1. Baudusch, 11 ff.

(مخفف «ff» به معنای «به بعد» است. کتاب Baudusch صفحه ۱۱ به بعد.)

خط یونانی در میان خط‌ها کامل‌ترین خط است و پایه‌ی خط لاتین و خط‌های کنونی اروپایی به شمار می‌رود. این خط از آن رو کامل است که تقریباً تمام واج‌های صامت و مصوت زبان یونانی نماینده‌ای در این خط دارند و هر حرف الفبا نیز نماینده‌ی یک واج است.^۱ درست به همین دلیل این خط را نخستین خط دمکراتیک جهان خوانده‌اند. خط فارسی برعکس 'خطی ناقص است، زیرا در این خط واج‌های مصوت نماینده‌ای در خط ندارند و برای یک واج معین چندین حرف الفبا وجود دارد. به این اعتبار می‌توان گفت که خط فارسی خطی غیردمکراتیک است.

خط، حتی اگر کامل باشد، تنها برای درست خواندن کلمه کفایت می‌کند، اما برای درست خواندن جمله به علائم دیگر نیاز است. از سوی دیگر خط و نوشته در دوران باستان مانند امروز رواج کامل نداشت و همه‌ی مردمان قادر به خواندن و نوشتن نبودند و مهم‌تر از همه امکانات لازم برای گسترش فرهنگ نوشتاری، مانند کاغذ ارزان و صنعت چاپ، شناخته شده و در اختیار دوران باستان نبود؛ بنابراین نوشته‌ها محدود^۲ و افراد باسواد اندک بودند. از این رو نوشته‌ها و کتاب‌ها به جای آنکه خوانده شوند، در جمع و با صدای بلند قرائت می‌شدند، چیزی شبیه شاهنامه‌خوانی که هنوز در برخی از نقاط ایران رواج دارد. در نتیجه نیاز بود تا برای قرائت درست نوشته، قطع و وصل به موقع، توجه به آهنگ کلمه، تکیه‌ی درست بر بخشی از کلمه یا جمله و نیز توقف کوتاه و نفس تازه کردن بهنگام 'علائمی

۱. برای اطلاع از معنای واج پنگرید به «واژه‌نامه‌ی توصیفی» در انتهای همین کتاب.

«اختراع» شوند. این اختراع را می‌توان ادامه و تکمیل اختراع خط دانست. نقطه‌گذاری محصول این اختراع دوم بود. برای این منظور ابتدا از نقطه، در اندازه‌های مختلف، استفاده می‌شد. نخستین کسی که در زبان یونانی به این کار همت گمارد، آریستوفانس بیزانسی^۱، زبان‌شناس یونانی سده‌ی سوم و دوم پیش از میلاد بود. این نقطه‌ها، بسته به این‌که در بالا، پایین یا در میان سطر قرار می‌گرفتند، کارکردهای مختلف داشتند. اگر در بالای سطر گذاشته می‌شدند، می‌بایست مکث کامل کرد، چیزی شبیه کارکرد نقطه در نظام نقطه‌گذاری کنونی. اگر در پایین سطر قرار می‌گرفتند، به معنای تقسیم یک واحد معنایی بلند به اجزای کوچک‌تر بودند و چنانچه در وسط سطر نوشته می‌شدند، این کارکرد را داشتند که واحدهای معنایی طویل را به گونه‌ای تقسیم کنند تا بتوان نفس تازه کرد.^۲

این نشانه‌های نوشتاری به قرائت‌کنندگان کمک می‌کرد تا متن را درست و با صدای بلند بخوانند، به موقع نفس تازه کنند و معنا و مفهوم متن را به بهترین شکل به شنوندگان خود منتقل کنند.

این سه نوع نقطه^۳ بعدها با نام‌های پریودوس^۴ (و بعد با نام پونکتوم^۵)، کولون^۶ و کوما^۷ به سده‌های میانه راه یافتند

1. Aristophanes von Byzanz / Aristophanes of Byzantium

۲. جالب است که در خط‌های ایرانی پیش از اسلام و در متن‌های اوستایی و پهلوی نیز بعضی نشانه‌ها وجود داشته‌اند که ظاهراً معادل نقطه و ویرگول بودند. (ادیب سلطانی، ۷۰).

3. distinctio, subdistinctio, media distinctio

4. periodus

5. punctum

6. colon

7. comma

و به کار رفتند.

از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که اصل حاکم بر اولین «نظام» نقطه‌گذاری^۱ وابستگی نشانه‌ها به درنگ^۲، تقطیع جمله و اتکا به گفتار بود.

جمله‌نشانه به عنوان نشانه‌ی درنگ و آهنگ

این نوع نقطه‌گذاری در زبان‌های باخترزمین به چالش کشیده شد و زبان‌شناسان و دستورنویسان آن را کافی نمی‌دانستند. علاوه بر درنگ^۳ موضوع آهنگ^۴ و تکیه^۵ بر اجزای جمله نیز مورد توجه قرار گرفت. کتاب‌های دستور زبان به رابطه‌ی نقطه‌گذاری و آهنگ جمله، یعنی به زیروبمی^۶ و شدت و ضعف گفتار، نیز پرداختند. با این حال قواعد نقطه‌گذاری در نوشتار همچنان تابعی از گفتار و در خدمت گفتار بود، لیکن بر اثر تکامل تاریخی و گسترش فرهنگ نوشتاری رابطه‌ی تنگاتنگ بین نوشتار و زبان گفتاری اهمیت خود را به مقدار وسیع از دست داد. این امر را زبان‌شناسان با توجه به تحولات ویرگول به خوبی نشان داده‌اند. رفته رفته جمله‌نشانه‌ها دیگر در خدمت تکیه و آهنگ بیان جمله در زبان گفتاری نبودند، بلکه هر چه بیشتر سمت‌گیری‌شان تغییر کرد و به خدمت معنا و صورت نحوی^۷ نوشته درآمدند. این چرخش معنایی جمله‌نشانه‌ها

1. Pause / pause, juncture

2. Intonation

3. Betonung / stress, accent

4. Tonhöhe, Tonlage / pitch

5. syntaktisch / syntactic

با نوشتاری شدن هرچه بیشتر جامعه در تناسب بود. در پی این چرخش 'جمله‌نشانه‌ها' کارکرد جدیدی پیدا کردند.

جمله‌نشانه ابزار تقسیم‌بندی جمله

می‌توان گفت که مقدمات چرخش بنیادین در درک از خط و کاربرد جمله‌نشانه‌ها را اختراع ماشین چاپ فراهم کرد. با چاپ ماشینی 'شمارگان کتاب‌ها و انواع آن فزونی گرفت و به نوبه‌ی خود به گسترش فرهنگ نوشتاری کمک کرد. کتاب دیگر در جمع و با صدای بلند قرائت نمی‌شد، بلکه هر کس می‌توانست کتابی بخرد و آن را در گوشه‌ای امن و آرام 'سنجیده و بی‌صدا بخواند. با گسترش کتاب‌خوانی 'به تقسیم‌بندی دقیق و روشن متن، و به مشخص کردن ساختار جمله به کمک جمله‌نشانه‌ها بیش از پیش نیاز افتاد. نخستین گام عملی را آلدوس مانوتیوس^۱، چاپخانه‌دار و ناشر ونیزی، انجام داد. وی به جمله‌نشانه‌ها نظامی هرمی بخشید و در کتاب‌هایی که چاپ می‌کرد، از نقطه در پایان جمله و از ویرگول در درون جمله استفاده می‌کرد.

این اقدام مانوتیوس در تنظیم جمله‌نشانه‌ها برخی از دستورنویسان آلمانی را نیز متأثر کرد و توجه آنان را بیش از پیش به نحو، به تجزیه و تحلیل ساختار جمله، جلب کرد. آنان کوشیدند برای هریک از جمله‌نشانه‌ها تعریف دقیق‌تری بنویسند و کارکردهای هریک را نشان دهند. کار اصلی را کارل فردیناند بکر^۲ و یوهان

1. Aldus Manutius (1449-1515)

2. Karl Ferdinand Becker

کریستیان هایزه^۱ در سده‌ی ۱۹ میلادی انجام دادند و با آثار خود برای نقطه‌گذاری نحوبنیاد پایه‌هایی نظری ایجاد کردند، لیکن کار آنان در سطح نظریه باقی ماند و در عمل همچنان درک قدیمی از نقطه‌گذاری حاکم بود. یکی از مخالفان این نظریه‌ی نوین کنراد دودن^۲ در سال ۱۹۰۳ چنین می‌نویسد:

«همیشه نمی‌توان همزمان به اهداف گوناگون
جمله‌نشانه‌ها دست یافت. گاهی پیش می‌آید که
بنا به ساختار جمله باید یک جمله‌نشانه گذاشت،
در حالی که خواننده هیچ مکثی نمی‌کند، و بالعکس»^۳

بازی روزگار چنان بود که خود کنراد دودن از پیشگامان نظریه‌ی نوین شد و با تألیفات خود راه را بر پذیرش درست‌نویسی و نقطه‌گذاری نوین هموار کرد.

پیدایش قواعد نقطه‌گذاری نوین

با چرخش نوین در نقطه‌گذاری، که اساس را بر دستور زبان و نحو جمله‌ها می‌گذاشت، از آغاز سده‌ی بیستم به بعد رابطه‌ی بین جمله‌نشانه‌ها و زبان گفتاری به شدت ضعیف شد و به جای آن نظامی از قواعد نقطه‌گذاری پدید آمد که قانون‌مندی‌هایش تا حد ممکن مستقل از تلفظ کلمه‌ها و جمله‌ها و مکث و درنگ بود. هدف این قواعد این بود که به خواننده‌ی "ساکت" کمک کند تا

1. Johann Christian Heyse (1764-1829)

2. Konrad Duden (1929-1911)

3. Baudusch, 13

ساختار نحوی متن را بهتر بفهمد و تصویری کلی از جمله‌ها به دست آورد.

بنابراین تاریخ نقطه‌گذاری را می‌توان گذار تدریجی و تکاملی از اصلِ گفتار محور به نوشتار محور، از اصلِ تلفظ بنیاد به نحو بنیاد و از اصلِ «رتوریک»^۱ به «گراماتیک»^۲ دانست.

نقطه‌گذاری نوین در حال حاضر

جمله‌نشانه‌ها را به طور عمده می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

نشانه‌های پایان جمله:

نقطه .

نشانه‌ی پرسش ؟

نشانه‌ی امر، توجه، ندا، تعجب !

و گاهی نشانه‌ی حذف و تعلیق ...

نشانه‌های میان جمله:

ویرگول یا کاما ،

نقطه ویرگول ؛

تیره -

دو نقطه :

و گاهی نشانه‌ی حذف و تعلیق ...

1. Rhetorik / rhetoric فن خطابه؛ سخنوری

2. Grammatik / grammar گرامر، دستور زبان

جمله‌نشانه‌های زوج:

ویرگول زوج، «...»،

تیره‌ی زوج «-...»

پرانتز «(...)»

گیومه «"..."» یا «"..."»

به این ترتیب به ۱۲ جمله‌نشانه می‌رسیم. البته در تعدادشان اختلاف است. برخی گروه‌ها یا قلاب «[...]»، آکلاد یا ابرو «{...}»، ممیز «/»، نشانه‌ی ایضاً «*» و ستاره «*» را هم جزو آن‌ها آورده‌اند^۱ و برخی شمار آن‌ها را تا ۲۶ رسانده‌اند.^۲ نظر به اینکه این نوشته منحصرأ درباره‌ی ویرگول است، وارد بحث تعداد جمله‌نشانه‌ها نخواهیم شد و در این بخش به همان ۱۲ جمله‌نشانه، که در تمام کتاب‌ها مشترک است، بسنده می‌کنیم.

هر یک از این ۱۲ جمله‌نشانه وظیفه‌ی خاصی دارند، اما کارکرد مشترک همه‌ی آن‌ها تفکیک و تقسیم دستورزبانی عبارات در درون یک متن چاپی یا دست‌نویس است تا خواننده به کمک آن‌ها بتواند ساختار پیچیده‌ی جمله‌ها را بفهمد و تصویری کلی از متن به دست بیاورد.

جمله‌نشانه‌ها را می‌توان از دو جنبه‌ی دیگر نیز دسته‌بندی کرد:

« از جنبه‌ی نوع و وسعت واحدهای زبانی که توسط جمله‌نشانه‌ها محصور یا برجسته می‌شوند، مانند کلمه‌ها،

۱. کاخی، ۲۰۷.

۲. ادیب‌سلطانی، ۷۱.

گروه‌ها، بندها، جمله‌های کامل و مستقل و پاراگراف‌ها
« از جهت جایگاهشان در آغاز، میانه یا پایان این واحدها.

نشانه‌های نقطه، پرسش و امر در جمله‌های کامل و مستقل به کار می‌روند. نشانه‌های ویرگول، نقطه‌ویرگول، تیره و دونقطه این وظیفه را برعهده دارند که بندهای جمله‌های مرکب، یعنی جمله‌های هم‌پایه و هم‌بافته را تقسیم کنند. این جمله‌نشانه‌ها در ضمن می‌توانند اعضای رشته‌ای از کلمه‌ها یا گروه را از هم جدا کنند. ویرگول زوج و تیره‌ی زوج برای برجسته کردن بندها، کلمه‌ها و گروه‌ها در درون جمله‌های ساده یا مرکب به کار می‌روند. پرانتز و گیومه می‌توانند حتی یک پاراگراف را دربرگیرند. نشانه‌ی حذف یا تعلیق بجای کل عبارت می‌نشیند.

جمله‌نشانه‌ها، علاوه بر کارکرد تفکیک و تقسیم، وظیفه‌ی بیان منظور نویسنده را نیز برعهده دارند. عبارت «پرویز نمی‌آید» تنها با گذاشتن جمله‌نشانه معنای روشن پیدا می‌کند:

پرویز نمی‌آید. (خبر)

پرویز نمی‌آید؟ (پرسش)

پرویز نمی‌آید؟! (حیرت و پرسش)

پرویز نمی‌آید! (تعجب و تحسین)

پرویز! نمی‌آید. (ندا. به پرویز گفته می‌شود که فرد یادشده

نمی‌آید.)

۱. در بعضی از قلم‌ها و زبان‌ها نشانه‌ی واحدی به شکل (P) برای این دو جمله‌نشانه درست شده است و به آن interrobang می‌گویند.

جمله‌نشان‌های گیومه و دونقطه نیز می‌توانند همین کارکرد را داشته باشند.

بر نهاد کتاب

اکثر دستورنویسان ما که درباره‌ی نقطه‌گذاری و قواعد آن مطالبی نوشته‌اند، چرخش یادشده از نقطه‌گذاری تلفظ‌بنیاد به نقطه‌گذاری نحو‌بنیاد را یا دریافته یا به درستی در کارشان منعکس نکرده‌اند، تا آنجا که آثارشان آمیخته‌ای از نگاه گفتارمحور و نوشتارمحور است. برای خروج از این آمیختگی و آشفتگی راه چاره این است که چرخش نوین نقطه‌گذاری را به درستی دریابیم و با نقطه‌گذاری مکث‌بنیاد و ویرگول «رتوریک» وداع کنیم و تماماً به نقطه‌گذاری نحو‌بنیاد و ویرگول «گراماتیک» روی آوریم. درک درست این چرخش و عمل به قواعد نقطه‌گذاری نوین 'ما را یک گام از فرهنگ گفتاری جدا و به فرهنگ نوشتاری نزدیک می‌کند. با این چرخش 'دیگر بر پایه‌ی احساس و گوش و گفتار و لاجرم سوژکتیو و دلبخواهی نقطه‌گذاری نخواهیم کرد، بلکه مجبور خواهیم شد منطقی بیندیشیم و ساختار جمله را در نظر بگیریم و متناسب با نحو جمله‌ها و به صورت ابرکتیو نقطه‌گذاری کنیم.

به اشاره بگویم که فاصله گرفتن از فرهنگ گفتاری و نزدیک شدن هرچه بیشتر به فرهنگ نوشتاری، که رعایت نقطه‌گذاری نحو‌بنیاد یکی از نشان‌های آن است، ما را بیش از پیش به سوی فرهنگ انتقادی و تفکر منطقی سوق خواهد داد.